



پیوندی که اول در آسمان و بعد روی زمین برقرار شد

حضرت امیر (ع) در سخنی می‌فرماید: «هیچ گاه فاطمه از من نرنجید و او نیز هرگز مرا نرنجاند. به خدا قسم هرگز کاری نکردم که فاطمه خشمگین شود؛ او نیز هیچ گاه مرا خشمگین نکرد».

حضرت امیر (ع) در سخنی می‌فرماید: «هیچ گاه فاطمه از من نرنجید و او نیز هرگز مرا نرنجاند. به خدا قسم هرگز کاری نکردم که فاطمه خشمگین شود؛ او نیز هیچ گاه مرا خشمگین نکرد».

به گزارش خبرنگار مهر، اول ذی‌الحجه سالروز ازدواج فرخنده و پر برکت پدر خاک و مادر آب، حضرت علی و حضرت فاطمه علیهم‌السلام است. این روز که روز ازدواج نامیده می‌شود، یادآور پیوندی آسمانی و همیشگی است که پیروان زندگی علوی و فاطمی آن را سرآغاز زندگی مشترک خود قرار می‌دهند.

تاریخ ازدواج زوج الهی

قول‌های متعددی برای این پیوند مبارک ذکر شده ولی مسعودی در مروج الذهب تاریخ ازدواج حضرت علی و فاطمه زهرا علیهم‌السلام را سال دوم هجرت ذکر کرده و مشهورترین نظر در این خصوص، اول ذی‌الحجه سال دوم هجرت است. بنا برقول مشهور حضرت فاطمه (س) در سال پنجم بعثت به دنیا آمده است. حضرت فاطمه (س) شش ساله بود که مادرش خدیجه (س) از دنیا رفت. ایشان در سال دوم هجرت با حضرت علی (ع) ازدواج کرده است. بنابراین سن حضرت زهرا (س) طبق قول مشهور هنگام ازدواج حدود ۱۰ سال بوده است.

حضرت علی (ع) در سیزده رجب سال ۳۰ عام‌الفیل متولد شد. ایشان ۱۰ ساله بود که پیامبر در چهل سالگی به پیامبری مبعوث شد. حضرت علی (ع) سیزده سال در مکه و شعب ابی‌طالب همراه پیامبر (ص) بود و دو سال بعد از هجرت، با حضرت فاطمه (س) ازدواج کرد. بنابراین سن ایشان هنگام ازدواج ۲۵ سال بوده است.

ماجرای خواستگاری

هنگامی که حضرت علی (ع) برای خواستگاری حضرت زهرا (س) نزد پیامبر (ص) می‌رود، پیامبر (ص) در خانه ام‌سلمه بوده و هنگامی که علی (ع) در می‌زند، ام سلمه می‌پرسد: کیستی؟ و قبل از اینکه حضرت علی (ع) پاسخ دهد، پیامبر (ص) به ام‌سلمه دستور می‌دهد: در را باز کن و بگو داخل شود که کسی که پشت در است، محبوب خدا و رسول است. ام‌سلمه می‌گوید از شوق اینکه ببینم پشت در کیست از جا برخاستم و پایم پیچید. علی (ع) وارد می‌شود و سلام می‌کند و در حضور رسول خدا (ص) می‌نشیند. شرم از پیامبر (ص) مانع گفتن خواسته‌اش می‌شود. پیامبر (ص) می‌فرماید: می‌بینم برای حاجتی اینجا آمده‌ای. خواسته‌ات را بر زبان آور و آنچه در دل داری بازگو کن که خواسته‌ات پیش من پذیرفته است.

حضرت علی (ع) که برای خواستگاری دختر پیامبر (ص) به خانه ایشان آمده، خواسته‌اش را چنین بازگو می‌کند: پدر و مادرم فدای شما، وقتی من کوچک بودم مرا از عمویان ابوطالب و مادرم فاطمه بنت اسد گرفتید و با غذای خود و به اخلاق خود بزرگم کردید. نیکی و دل‌سوزی شما درباره من از پدر و مادرم بیشتر و بهتر بود. تربیت و هدایت‌م به دست شما بوده و به خدا سوگند شما ای رسول خدا ذخیره دنیا و آخرتم هستید... د. پیوند خویشاوندی من با خاندان رسالت و ثبات و پایداریم در راه دین و جهاد و کوششم در پیش برد اسلام بر شما روشن است. پیامبر (ص) می‌فرماید: تو از آنچه که می‌گویی بالاتر هستی.

نکته‌ای که در فرمایشات حضرت امیر (ع) قابل تأمل است، این است که حضرت بر تقوا و سوابق درخشان خود در اسلام تکیه می‌کند و از این طریق به همه تعلیم می‌دهد ملاک برتری این است نه منصب و ثروت و زیبایی و... سپس فاطمه (س) را از پیامبر (ص) خواستگاری می‌کند. پیامبر (ص) خوشحال شده ولی جواب قطعی را برعهده فاطمه (س) می‌گذارد.

پیامبر (ص) ماجرای خواستگاری پسر عموی خویش، علی (ع) را برای دخترش بازگو می‌کند. حضرت فاطمه (س) ساکت می‌ماند و برخلاف گذشته که موضوع خواستگاری دیگران مطرح شده بود، اظهار ناراحتی و نارضایتی در چهره معصوم ایشان پدیدار نمی‌شود و روی برنمی‌گردانند. نغمه تکبیر پیامبر (ص) بلند می‌شود: «الله اکبر فاطمه راضی است؛ سکوت او نشانه رضایت اوست».

پیوند آسمانی

در عیون اخبارالرضا شرح ماجرای ازدواج حضرت علی و حضرت فاطمه علیهم‌السلام از زبان امام رضا (ع) چنین آمده است: پدرم از پدرش جعفر بن محمد و آن حضرت از پدر خود و از جدّ بزرگوار خویش نقل فرمود: حضرت علی (ع) فرمود: تصمیم به ازدواج گرفتیم ولی جرأت نمی‌کردم این مطلب را به حضرت رسول (ص) عرض کنم و مدتی این موضوع شب و روز در فکرم بود تا اینکه روزی بر حضرت رسول (ص) وارد شدم.

آن حضرت فرمودند: ای علی! عرض کردم: بفرمایید ای رسول خدا. فرمود: آیا میل و رغبتی به ازدواج داری؟ عرض کردم: رسول خدا خود دانایتر است و گمان بردم حضرت یکی از زنان قریش را به عقد من درآورند. من از اینکه فرصت ازدواج با فاطمه (س) را از دست بدهم، نگران بودم و متوجه نشدم که چه شد که حضرت مرا صدا زدند و در خانه ام‌سلمه به خدمتشان رسیدم. وقتی به من نگاه کردند، چهره‌شان درخشید و تبسمی فرموده به گونه‌ای که سفیدی دندان‌هایشان را که می‌درخشید دیدم.

حضرت به من فرمودند: ای علی! مژده! چرا که خداوند مسأله ازدواج تو را که فکر مرا مشغول کرده بود، خود به عهده گرفت. گفتم: قضیه چیست یا رسول الله؟ حضرت فرمودند: جبرئیل با سنبل و قرنفل (میخک) بهشتی نزد من آمد و آن‌ها را به من داد، من آن دو را گرفتم و بوییدم و گفتم: ای جبرئیل! این سنبل و قرنفل را به چه مناسبت آورده‌ای؟

او گفت: خداوند تبارک و تعالی ملائکه ساکن بهشت و نیز سایر ساکنین آن را امر فرموده که تمام بهشت‌ها را با تمام درخت‌ها و رودخانه‌ها و میوه‌ها و قصرهایش آذین بندند و به بادهای بهشتی دستور داده تا با بوی انواع عطر بوزند و حورالعین را به خواندن سوره‌هایی که با «طسم» شروع می‌شود امر فرمود و به یک منادی دستور داد که چنین جار بزند: «ای ملائکه من و ای ساکنین بهشت من! شاهد باشید که فاطمه دختر محمد را به عقد علی بن ابی‌طالب در آوردم و به این کار راضی و خشنودم، این دو از یک دیگرند».

سپس خداوند تبارک و تعالی به ملکی از ملائکه بهشت به نام راحیل - که در بلاغت هیچ یک از ملائکه به پای او نمی‌رسند- امر فرمود که خطبه بخواند، او نیز خطبه‌ای خواند که اهل آسمان و زمین چنین خطبه‌ای نیاورده بودند، سپس به یک منادی دستور داد تا چنین جار بزند: ای ملائکه من و ای ساکنین بهشت من! به علی بن ابی‌طالب حبیب محمد و فاطمه دختر محمد تبریک بگویید، چه اینکه من برای آنان خیر و برکت قرار دادم.

راحیل گفت: برکت تو بر آن دو بیشتر از آنچه ما در بهشت و منزلت برای آنان مشاهده کردیم نیست؟ خداوند فرمود: ای راحیل! از جمله برکت من بر آن دو این است که آنان را بر محبت خودم، با هم همراه می‌کنم و حجت خود بر مردم قرارشان می‌دهم و قسم به عزت و جلالم که از آن دو، نسل و فرزندی به وجود خواهم آورد که در زمین گنجینه‌داران و معادن حکمت خود قرارشان خواهم داد. بعد از پیامبران، آنان را حجت بر مردم قرار می‌دهم.

سپس پیامبر (س) فرمود: پس مژده بده ای علی! که من نیز همچون خدای رحمان دخترم فاطمه را به ازدواج تو درآوردم و آنچه را که خداوند برای او پسندید، من نیز پسندیدم. حال دست همسر خود را بگیر که تو از من نسبت به او سزاوارتری.

جبرئیل به من خبر داد که بهشت و اهل آن، مشتاق شما دو نفرند و اگر خداوند تبارک و تعالی نمی‌خواست از نسل شما حجتی بر خلق برگزیند، خواسته بهشت و اهل بهشت را در مورد شما دو نفر اجابت می‌فرمود. پس تو چه خوب برادر و چه خوب داماد و چه خوب همدمی هستی و رضایت خدا برای تو کافی است و از رضایت هر کس دیگر بهتر است. حضرت علی(ع) گفت: «رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ «پروردگارا! مرا بر آن دار که شکر نعمتی که به من دادی، به جای آرم. حضرت رسول(ص) نیز آمین گفتند.

رسول خدا (ص) بعد از عقد آسمانی علی و فاطمه علیهم‌السلام مأمور شد که در زمین نیز آنها را به عقد هم درآورد لذا به علی (ع) فرمود: «به مسجد برو تا من هم بیایم و فاطمه را به عقد تو درآورم و از فضائل تو بگویم، چیزهایی را که چشم تو و دوستانت را روشن گرداند و خودش نیز راهی مسجد شد. رسول خدا (ص) که صورتش از شادمانی می‌درخشید، به بلال فرمود: مهاجرین و انصار را خبر کن. به این ترتیب پیامبر خدا (ص) پیوند آسمانی این زوج برگزیده الهی را بر روی زمین نیز برقرار کرد و آن دو بزرگوار را در مسجد به عقد هم درآورد.

مهریه، جهیزیه و آغازی ساده

مهریه مادی حضرت زهرا (س) ۵۰۰ درهم بود و برای مهریه معنوی ایشان به عنوان مثال شفاعت شیعیان آل محمد (ص) آمده است. علی(ع) زره خود را فروخت و بهای آن را صرف خرید اسباب و اثاثیه منزل کرد. با این مبلغ مقداری معطرات، یک پیراهن به مبلغ هفت درهم، یک مقنعه به مبلغ چهار درهم، یک تن‌پوش بلند سیاه خیبری، تختی بافته شده از برگ های درخت خرما، دو بستر از کتان مصری که میان یکی از آنها با برگ خرما و دیگری با پشم گوسفند پر شده بود، دستاس، مشکى از پوست، یک ابريق، یک سبوی سبز و دو کوزه گلی، کاسه ای چوبی برای شیر و پاشیدن آب، ظرف مسی، پرده‌ای پشمین و یک حصیر تهیه و خریداری کرد.

فاطمه زهرا (س) و همسر بزرگوارش، پس از دادن ولیمه‌ای پربرکت و برگزاری ضیافتی ساده، زندگی را در خانه ای گلی که یک اتاق داشت آغاز کردند. حضرت زهرا(س) به کارهای داخل خانه رسیدگی می‌کرد. گندم ها را آسیاب می نمود و از آنها خمیر می ساخت و نان می پخت. علی (ع) نیز در کارهای منزل او را یاری می‌کرد و گاهی شیر می‌دوشید، هیزم جمع می کرد و از چاه آب می‌کشید.

حضرت امیر (ع) در سخنی می‌فرماید: «هیچ گاه فاطمه از من نرنجید و او نیز هرگز مرا نرنجاند. او را به هیچ کاری مجبور نکردم و او نیز مرا آزرده خاطر نساخت. در هیچ امری، قدمی برخلاف میل باطنی من برنداشت و هرگاه به چهره اش نگاه می کردم، تمام غصه‌هایم برطرف می‌شد و دردهایم را فراموش می کردم». آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «به خدا قسم هرگز کاری نکردم که فاطمه خشمگین شود؛ اونیز هیچ گاه مرا خشمگین نکرد».

سخن امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

امام خمینی (ره) با اشاره به این مطلب می‌فرماید: «یک کوخ چهار- پنج نفری در صدر اسلام داشته‌ایم و آن، کوخ فاطمه زهرا (س) است. برکات این کوخ چند نفری آن قدر زیاد است که عالم را از نورانیت پر کرده است. کوخ نشینان این کوخ محقر، در مراتب معنوی آن قدر بالا بودند که دست ملکوتی‌ها هم به آنها نمی‌رسد. جنبه‌های تربیتی این کوخ، آن قدر والا بوده که همه برکات در بلاد مسلمین، خصوصا در مثل بلاد ما، همه از برکات آنهاست.

سراسر زندگی مشترک امام علی و حضرت زهرا علیهم‌السلام، برای جوانان درس زندگی و نیک بختی و آرامش است. مقام معظم

رهبری، از نقش حضرت زهرا (س) در فعالیت‌های تأثیرگذار همسرش چنین یاد می‌کنند: «در طول ده سالی که پیامبر(ص) در مدینه بود، حدود نه سالش را جنگ‌های کوچک و بزرگی ذکر کرده‌اند و حدود شصت جنگ در این مدت اتفاق افتاده. در اغلب آنها امیرالمؤمنین(ع) هم بوده است. حالا شما ببینید حضرت زهرا (س) خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه لنگ می‌ماند... از لحاظ زندگی هم وضع رو به راهی ندارند. در حالی که دختر رهبر است، دختر پیامبر است، یک نوع احساس مسئولیت هم می‌کند. ببینید انسان چه روحیه قوی‌ای باید داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز کند. دل او را از وسوسه اهل و عیال و گرفتاری‌های زندگی خالی کند. به او گرمی بدهد و بچه‌ها را به آن خوبی تربیت کند. فاطمه زهرا (س) این گونه خانه داری، شوهرداری و کدبانویی کردند و این طور محور زندگی ماندگار در تاریخ قرار گرفتند. زندگی مشترک امام علی و حضرت فاطمه علیهم‌السلام از سال دوم هجری تا سال ۱۱ هجری (سال شهادت حضرت فاطمه سلام الله علیها) ادامه داشت. بنابراین زندگی مشترک این دو معصوم حدوداً نه سال به طول انجامید و ثمره آن ۵ فرزند بود به نام‌های حسن (ع)، حسین (ع)، زینب (س)، ام کلثوم (س) و محسن (ع) که در بطن ایشان به شهادت رسید. نویسنده: مینا شیرخان